بحثی در سلیقه ادبی عامه و چگونگی شکل گیری آن/ در دفاع از داستان عامه پسند

جمال میر صادقی در واژه‏نامه هنر داستان‏نویسی در توضیح«ادبیات عامه پسند»نوشته است:صفت‏ عامه پسند به ادبیاتی گفته می‏شود که خواننده بسیار دارد.این نوع کتاب‏ها ارزش ادبی چندانی ندارند و مخاطبان آنها از لحاظ فرهنگی در حد پایین و متوسط قرار دارند.بعضی از انواع رمان‏های پلیسی و جنایی و جاسوسی و بسیاری از رمان‏های حادثه‏ای و رمان‏های‏ به ظاهر تاریخی از زمرهء ادبیات عامه پسند به شمار می‏آیند.در این نوع رمان‏ها،هم نویسنده و هم اثر در سطح ذوق عامهء مردم هستند،ازاین جهت،نه کتاب‏ها و نه نویسندگان آن‏ها هیچ کدام جدی گرفته‏ نمی‏شوند.

2Lمیر صادقی در بخش دیگری از مطلب ضمن اشاره‏ به فروش بیشتر این کتاب‏ها نسبت به آثار نویسندگان‏ خوب و معتبر می‏نویسد:کتاب‏های عامه پسند تنها از نظر بررسی و مطالعه ذوق و سلیقه عمومی قابل‏ توجه هستند واز طریق آن‏هاست که می‏توان از آنچه‏ مورد پسند عامه مردم است آگاه شد.1 ناگفته پیداست که این تعریف از مفهوم«ادبیات‏ عامه پسند»تعریفی بی‏طرفانه و متناسب با فرهنگ‏ تفصیلی اصطلاح‏های ادبیات داستانی نیست.ضمن‏ این‏که چنین تعریفی بر پیش فرض‏هایی استوار است‏ که امروزه برخی از آن‏ها رنگ باخته‏اند. آرتور آسابرگر در کتاب نقد فرهنگی دربارهء دیدگاهی‏ که فرهنگ مردمی یا عوام پسند را بی‏ارزش می‏دانند می‏نویسد:در گذشته،بشیاری از دانشمندان فرهنگ‏ 3Lمردمی را بی‏ارزش می‏دانستند و قابل توجه تلقی‏ نمی‏کردند.متون فرهنگی مردمی بنجل و مادون‏ آن‏ها را مصرف می‏کنند وقت خود را تلف می‏کنند. روشن است که از نقطه نظر ادبی،یک کتاب کمیک‏ را نمی‏توان با رمان‏های همینگوی یا داستایوسکی‏ مقایسه کرد،اما چنین مقایسه‏هایی هم ناعادلانه‏ هستند و هم نادرست.2

مناقشه بر سر مفهوم«عامه پسند»در حوزهء فرهنگ‏ به حدی است که برخی صاحب‏نظران نام حوزهء مطالعاتی خود را که پیش‏تر«فرهنگ مردمی»نامیده‏ می‏شد به«فرهنگ معاصر»و«مطالعات فرهنگی» تغییر داده‏اند.3دو نقل قولی که ذکر شد به خوبی‏ تصویری از این مناقشه ارائه می‏کنند.اما آن چه که‏ اغلب در چنین مناقشه‏هایی مغفول واقع می‏شود،توجه به چرایی ماجراست.

چرا برخی آثار پرفروش می‏شود؟یا به عبارت دیگر چرا برخی از آثار را عامهء مردم می‏پسندند؟پاسخ دادن‏ به این پرسش نیازمند توجه به«سلیقه ادبی عامه» است.

«سلیقه ادبی عامه»چه ویژگی‏هایی دارد و چگونه‏ شکل می‏گیرد؟برای پی‏بردن به این پدیده باید نکاتی‏ را مدنظر داشت.نخست این‏که وقتی از یلیقه ادبی‏ عامه سخن می‏گوییم وارد موضوعی اجتماعی شده‏ایم‏ و از موضوع صرفا ادبی فاصله گرفته‏ایم دوم این‏که‏ این موضوع به شدت متأثر از شرایط اجتماعی و امری‏ ثابت و دائمی نیست.

لوین دل.شوکینگ در کتاب جامعه‏شناسی ذوق ادبی‏ می‏نویسد:این خیال باطل است که هنری وجود داشته‏ باشد که کم‏وبیش از تفاوت‏های انسانی برکنار باشد.4

وی همچنین اظهار می‏دارد:در هر دورهءمعین ذوق‏ و سلیقهءمعینی وجود دارد.5

با این اوصاف شناخت سلیقه ادبی عامه نیازمند مطالعاب اجتماعی است که متأسفانه در کشور ما متوقف است.در چنین شرایطی بعریف‏هایی یک سره‏ ذهنی راه به جایی نمی‏برد.اگر احیای مطالعات‏ اجتماعی در این حوزه،امری دشوار و ناممکن باشد، تحلیل آثار عامه پسند ممکن است.تحلیل آثار عامه پند می‏تواند از سلیقه ادبی عامه را روشن کند. 1Lدربارهء ذوق عامه یا سلیقه عامه در غرب مطالعات‏ بسیاری انجام گرفته است.«3بورایو»جامعه شناس‏ فرانسوی یکی از کساتی است که در این زمینه‏ مطالعاتی را انجام داده است.

او در آثار خود به مسئلهء«سلیقه»توجه بسیار داشته و اعتقاد دارد که سلیقه فرهنگی در ارتباطی تنگاتنگ‏ با موقعیت فرهنگی و وضعیت اقتصادی«فضاهای‏ اجتماعی»قرار دارد.6

برای او هیچ سلیقه‏ای ارجحیتی طبیعی بر سایر سلیقه‏ها ندارد.وی همچنین سلیقه را مسئله‏ای کاملا شاخصه و فردی نمی‏بیند،بلکه آن را به مثابه مبحثی‏ «جمعی»مورد بررسی قرار می‏دهد و سلیقه را یکی‏ از مشخصه‏های گروهی و طبقاتی افراد می‏داند که‏ از یک سو وجه اشتراک آن‏ها با یکدیگر است و از سوی‏ دیگر وجه ممیز آن‏ها با دیگران.7

بورایو گروه‏بندی اجنماعی سلیقه‏ها را به سه دسته، سلیقه مقبول،سلیقه متوسط.سلیقه عامه تقسیم‏ می‏کند.(ص 707)از نظر او سلیقه عامه عمدتا موسیقی،مطبوعات و فیلم‏های مبتذل دا می‏پسندد و متعلق به اقشار پایین طبقه متوسط و اقشار گوناگون‏ طبقه کارگر است.8

فیسکه ارتباط شناس انگلیسی با نقد دیدگاه بورایو به‏ «ستیز اجتماعی»به عنوان یکی از ویژگی‏های‏ فرهنگ عامه اشاره می‏کند اما خاطر نشان می‏سازد که از نظر محتوایی مگر در موارد مشخص و نسبتا منفرد،محتوای فرهنگ عامه از نظر ارزش‏های‏ بنیادین تفاوت‏های آشکاری با فرهنگ رسمی جامعه‏ نداشته و در همان جهت کلی ایدئولوژی و فرهنگ‏ حاکم بر جامعه حرکت می‏کند.از نظر او فرهنگ عامه، بسیاری از ساختارهای اجتماعی موجود در فرهنگ‏ رسمی را شکلی متفاوت منعکس می‏کند.او همچنین معتقد است که فرهنگ عامه،فواصل‏ خالی‏ای را که فرهنگ رسیس قدرت پرکردن آن را در جامعه ندارد،پرمی‏کند.9

2Lبررسی این مطالعات برای ما اگر هیچ فایده‏ای نداشته‏ باشد،نخست ما را از مطلق انگاری و کلی گویی‏های‏ مبتنی بر طرد و نفی سلیقه‏های دیگر بازمی‏دارد و بعد چارچوب‏ها و روش‏هایی را برای مطالعه در اختیارمان می‏گذارد.

با تأمل در این مطالعات و همچنین مطالعاتی که به‏ ندرت در داخل کشور انجام شدهـ-به‏طور مثال تحقیقی‏ که در مرکز آموزش و تحقیقات رسانه‏ها درباره‏ مطبوعات عامه پسند انجام شدهـ-می‏توانیم فایده‏هایی‏ را برای‏آثار عامه پسند بیان کنیم،اما گاه رسیدن به‏ فواید این آثار مستلزم مطالعه آن‏ها به مثابه پدیده‏های‏ اجتماعی است تا آثار ادبی.

پیش از پرداختن به فواید این نوع آثار بار دیگر به‏ «سلیقه عامه»برمی‏گردیم و این پرسش را طرح‏ می‏کنیم که آیا«سلیقه عامه»را می‏توان دست کاری‏ کرد و تغییر داد؟

مسلم این‏که«سلیقه ادبی عامه»امری ثابت و دایمی‏ و یا به عبارت دیگر فرازمانی و مکانی نیست،بلکه‏ تابع زمان،مکان و شرایط اجتماعی است.،سلیقه ادبی‏ عامه»از جامعه‏ای به جامعهء دیگر و از زمانی به زمانی‏ دیگر تفاوت می‏کند و شاید راز این‏که برخی از آثار در زمان انتشار خود با بی‏مهری مواجه می‏شوند و در سالیان بعد با اقبال و یا برعکس در سال‏های انتشار با اقبال مواجه می‏شوندو بعدها به فراموشی سپرده‏ می‏شوند،در همین نکته باشد.تنها معدودی از آثار هستند که چارچوب‏های زمان و مکان را در می‏نوردنو و به تعبیر نویسنده کتاب جامعه‏شناسی ذوق ادبی،طی‏ قرن‏ها می‏توانند از صافی پسند صاحبان ذوق‏های‏ متعدد یکی پس از دیگری بگذرد.10

«سلیقه ادبی عامه»نیز مانند هر پدیدهء اجتماعی تک‏ علتی نیست و عوامل متعدد در استقرار و شکل‏گیری‏ آن نقش ایفا می‏کنند.همچنین در یک مسیر خطی‏ و با کنار هم قرار گرفتن مجموعه‏ای از علل و عوامل‏ نیز به وجود نمی‏آید،بلکه در شکل طبیعی در یک‏ فرایند شکل می‏گیرد و ضمن تأثیرپذیری بر مجموعه‏ای از علل و عوامل نیز تأثیر می‏گذارند.با این همه گاه در حالت غیر طبیعی عواملی می‏تواند در تقویت نوعی سلیقه و تبدیل آن به سلیقه عامه نقش‏ ایفا کند که رسانه‏هایی چون مطبوعات،رادیو و تلویزیون در این ماجرا می‏توانند تأثیر گذار باشند. با این همه می‏توان از عوامل زیر به عنوان عوامل‏ تأثیر گذار در شکل‏گیری سلیقه ادبی عمه یاد کرد: -ناشران با گزینش انواع خاصی از کتاب و ارائه متفاوت‏ کتاب‏ها

-موزعان و کتاب‏فروشان

-مطبوعات و رسانه‏های جمعیـ

-کارشناسان و منتقدان ادبیـ

-جشنواره‏ها و جوایز

-مدرسه و دانشکها(سیستم آموزش)

-انجمن‏ها و گروه‏های ادبی

-گروه‏های مرجع

و عوامل متعدد دیگر یکی از پیش فرض‏های نااستوار نفی کنندگانادبیات‏ عامه پسند،این است که«اگر آثار عامه پسند خوانده‏ نشوند،آثار جدی خوانده می‏شوند.»در حالی که‏ معمولا فردی که به سراغ آثار عامه پسند می‏رود در مراحل اولیه اهل خواندن آثار جدی نیست و گزینه‏های‏ دیگری را برخواهد گزید.

پیش فرض نااستوار دیگر آن‏ها این است که همه‏ 3Lارزش‏ها را در ارزش ادبی خلاصه می‏کنند و به صرف‏ نداشتن ارزش ادبی رأی به نفی و طرد آن می‏دهند، نداشتن ارزش ادبی رأی به نفی و طرد آن می‏دهند، البته طبیعی و بدیهی است که ارزش‏های ادبی را نیز براساس گرایش ادبی خود تعریف می‏کنند. پیش‏فرض دیگری که رأی به نفی ادبیات عامه‏پسند از آن گرفته می‏شد،نفی تفاوت آدم‏ها و سلیقه‏های‏ متفاوت است.در حالی که احترام به تنوع و تکثیر سلیقه‏ها در نهایت به پیشرفت می‏انجامد. براساس آن چه گفته شد می‏توان نقش‏های زیر را برای ادبیات عامه‏پسند قائل شد:

1.نقش اجتماعی و تربیتی

این آثار به خاطر این‏که با مخاطبان به راحتی ارتباط برقرار می‏کند،در کلیشه‏هایی ثابت و راحت‏الحلقوم، هنجارها،ارزش‏ها و اصول اخلاقی را به مخاطب‏ منتقل می‏کنند.

2.نقش تفریحی-روانی

مهم‏ترین نقش این آثار نقش سرگرمی و تفریحی‏ آن‏هاست که مخاطبان با ارتباط برقرار کردن با آن‏ اوقات فراغت خود را با لذت می‏گذرانند و مطالعه اغلب‏ این آثار بسته به موضوع،به تخلیه روانی و یا ایجاد نشاط نیز می‏انجامد.

3.عادت دادن به مطالعه

4-تربیت مخاطب برای ادبیات جدّی

طبیعی است که خوانندگان رمانها و ادبیات جدی با متن‏هایی ساده شروع کرده‏اند و بسیاری از ما که اکنو خوانندگان جدی ادبیات هستیم در سابقه‏ کتابخوانی‏مان نام‏هایی چون ر.اعتمادی،پرویز قاضی سعید و دیگران حضور دارند.معمولا کسانی‏ که از ادبیات عامه‏پسند شروع می‏کنند در آن متوقف‏ نمی‏شوند و در جستجوهای بعدی به کشف ادبیات‏ جدی می‏رسند.

5.پرکردن فضاهای خالی در ادبیات نوجوانان‏ ادبیات نوجوانان ما به خاطر موانع اخلاقی که برای‏ خود تعریف کرده است وارد برخی حوزه‏های موضوعی‏ که اتفاقا از مسایل و مشکلات مخاطبان آن‏هاست، نمی‏شود،یکی از نقش‏هایی که ادبیات عامه‏پسند در جامعه ما برعهده دارد،پرکردن جای خالی ادبیات‏ کودک و نوجوان در این حوزه‏هاست.

منابع:15

(1).میر صادقی.جمال/واژه‏نامه هنر داستان‏نویسی‏ /انتشارات کتاب مهناز/چاپ اول 1377/ص 13 و 14

(2).آسابرگر.آرتور/نقد فرهنگی/حمیرا امیرزاده/ انتشارات باز/چاپ اول 1379/ص 176 و 177

(3).همان.ص 177

(4).شوکینگ لوین ل/جامعه‏شناسی ذوق ادبی/ فریدون بدره‏ای/انتشارات توس/چاپ اول 1373/ ص 14

(5).همان.ص 14

(6).میر فخرایی‏تژا/مطبوعات عامه‏پسند:گسترش‏ ارزش‏های فرهنگی/سمینار بررسی مسائل‏ مطبوعات ایران/انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات‏ رسانه‏ها/چاپ اول 1377/ص 704

(7).همان ص 704

(8).همان.ص 707

(9).همان.ص 710

(10).شوکینگ لوین ل/جامعه‏شناسی ذوق ادبی/ فریدون بدره‏ای/انتشارات توس/چاپ اول.1373 /ص 115